

## جنگ روس و ژاپن پس از یکصد سال

۲۵۱ - مجلس علمی بازنگری تاریخ و تأثیر جنگ روس و ژاپن\*

امسال، ۲۰۰۵ میلادی، یکصد سال از پیروز برآمدن ژاپن در جنگ با روسیه تزاری می‌گذرد. این جنگ از رویدادهای دورانساز تاریخ معاصر جهان بوده، و هنوز در تأثیر و پیامدهای آن چنانکه باید تحقیق و تأمل نشده است.

در یکصدمین سال این جنگ، روزنامه معتبر یومیوری Yomiuri Shimbun ژاپن با همکاری بنیاد چو کورون - شینشا Chuokoron - Shinsha در تابستان امسال سمپوزیومی زیر عنوان

\* برای تفصیل جنگ روس و ژاپن و آثار آن در کار و حال ایران بنگرید به مقاله‌های زیر از این نگارنده:

\* بحث جنگ روس و ژاپن در: تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر، تهران، ۱۳۶۵، صص ۳۲۲ تا ۳۴۳.

\* جنگ روس و ژاپن به روایت ایرانیان، در: آینده، سال هجدهم، ش ۱ - ۶ (فروردین - شهریور ۱۳۷۱).  
ص ۹۱ تا ۱۰۵، ش ۷ - ۱۲ (مهر - اسفند ۱۳۷۱)، ص ۲۷ - ۴۱۷، و سال نوزدهم، ش ۱ - ۳ (فروردین - خرداد ۱۳۷۲)، ص ۹۰ - ۸۹.

\* ایرانیان، نهضت مشروطه خواهی، و نمونه ژاپن پیشرو، در: فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ش ۱۰ (ویژه نامه انقلاب مشروطیت ایران، تابستان ۱۳۷۸) ص ۱۳۲ - ۹۹.

\* میکادونامه یا ستایشنامه ژاپن: رزنامه‌ای از یک سده پیش، در: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال چهارم، ش ۳ (پی در پی ۳۹)، ۳۰ دی ۱۳۷۹، ص ۱۲ - ۳.

«جنگ روس و ژاپن در جای جنگ جهانی صفر» (پیش درآمد جنگهای اول و دوم) در توکیوی برگزار کرده که در آن شماری از محققان رویدادهای معاصر و کارشناسان تاریخ این جنگ به ارائه نظر پرداختند.

سخنران اصلی این مجلس یان نیش Ian Nish استاد ممتاز مدرسه علوم اقتصادی و سیاسی لندن بود که مقاله‌ای درباره تأثیر این جنگ بر ممالک متعدد دیگر فرانهاد. شش کارشناس دیگر نیز که نام آنان در زیر می‌آید در بحث و بیان نظر درباره اهمیت این جنگ در شکل دادن به دنیای امروز و دیگر مطالب مرتبط با آن شرکت جستند:

— آکیرا ایریه Akira Iriye

— اولگ ایراپتوف Oleg Eirapetov

— دومینیک لیون Dominic Lieven

— بروس مینینگ Bruce Menning

— یوکر کاتو Yoko Kato

— شینجی یوکوته Siniuji Yokote

## ۲۵۲ — روزهایی که دنیا را تکان داد

یان نیش استاد مدرسه علوم اقتصادی و سیاسی لندن گفت که این عنوان را برای سخنرانش از نام سریال گزارشهای مستند BBC «روزی که دنیا را تکان داد»، که به بررسی رویدادهایی همچون توطئه قتل هیتلر و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه می‌پردازد، برگرفته است، و افزود: «به جای «روز»، از «روزها» سخن می‌گویم زیرا که جنگ روس و ژاپن روزهای سرنوشت‌ساز در گذر شانزده ماه پیروزیهای پیاپی ژاپن در جبهه‌های زمینی فراوان داشت.

«این جنگ که یک طرف آن اروپایی و طرف دیگرش آسیایی بود، بر همه جهان اثر گذاشت و در احوال قدرتهای جهانی در هر دو سوی زمین تحول ساز بود. ممالک متحده که تئودور روزولت Theodore Roosevelt ریاست جمهور آنها داشت به تحولات این جنگ سخت حساس، و در جریان عقد صلح متعاقب آن دست اندرکار بود. ممالک اروپایی نیز در عرصه بودند: بریتانیا به اعتبار پیمان انگلیس و ژاپن؛ فرانسه به واسطه پیمان اتحادش با روس؛ و آلمان به این لحاظ که قوای نظامی ژاپن استراتژی و شیوه‌های جنگی خود را از او آموخته بود. در واقع، می‌توان گفت که در گرفتن جنگ در منچوری (زد و خوردهای مقدمه جنگ روس و ژاپن) از موجبات عمده انقراض پیمان ۱۹۰۴ انگلیس و فرانسه بود.

«در سطح جهانی، اثر این جنگ گسترده و عظیم بود. فقط کشورهای انگشت شمار در آسیا از



● دکتر هاشم رجب‌زاده

تأثیر این جنگ و پیمان صلحی که در پی آن بسته شد برکنار ماندند. تأثیر این جنگ بر روشنفکران و نیز بر ممالک استعمارگر بیشتر بود تا بر عامه مردم آسیا. روشنفکران، چه در غرب آسیا و شمال آفریقا و چه در سرزمین‌های زیر استعمار جنوب شرقی این قاره، ازین جنگ شور و نیرو گرفتند؛ همچنانکه خیزش‌های انقلابی در روسیه نیز هوای استقلال‌طلبی را در دل‌های آنان انداخت. پیروزی ژاپن برای ملی‌گرایان در سراسر آسیا شوق‌انگیز و دلپذیر آمد.

«تکان» این جنگ نیز در سراسر جهان محسوس بود. کسی تصور نمی‌کرد که ژاپن پیروز برآید. جونتارو کومورا Juntaro Komura وزیر جنگ ژاپن گفت که این کشور از نظر قابلیت نظامی چه در زمین و چه در دریا نگرانی ندارد، اما اگر شکست بخورد به واسطه نداشتن بنیه مالی برای جنگ طولانی خواهد بود.

ناظران بیگانه بیش از آنکه از پیروزی ژاپن تعجب کنند از شکست‌های روسیه در زمین و دریا به شگفت آمدند. روسیه در آغاز قرن بیستم قدرتی هیولایی با قابلیت بسیج قشونی عظیم به نظر می‌آمد، هر چند که دوستان فراوان در جهان نداشت.

## ۲۵۳- ویژگیهای این جنگ

در اینجا فقط پنج نکته را درباره ویژگیهای این جنگ برمی‌شمارد.

۱ - جنگ روس و ژاپن در تاریخ جهان مکانی خاص دارد، و حد فاصل جنگهای استعماری سده نوزده و جنگهای مکانیزه سده بیستم است. داشتن راه آهنی یک خطی، که ساختن بخشی از آن هنوز به انجام نرسیده بود، امتیازی برای روسها بود؛ اما ژاپن هنگام حمله پیشگیرانه خود در آغاز جنگ و سد کردن موفقیت آمیز راه ناوگان روس در پورت آرتور Port Arthur و ولادیوستک Vladivostok در دریا برتری داشت.

۲ - ژاپن پیروز برآمد؛ اما این فتح به بهای گران شمار فراوان کشتگان و زخمیان در جنگ بود.

۳ - این آزمون، در هر مرحله و در همه نبردها برای ژاپن جنگی مردمی و پرخواستار بود؛ حال آنکه در روسیه در سراسر کار، جنگی بود دور افتاده از مردم و ناخواستنی. پیش از درگرفتن جنگ، دولت ژاپن که برآستی می کوشید تا مذاکرات به صلح برسد، همواره از سوی افکار عمومی خواهان جنگ زیر فشار بود.

۴ - رفتار ژاپنی ها با اسیران جنگی روس استثنایی بود.

۵ - سرانجام، پس از امضاء شدن پیمان صلح هم، وضع دو طرف متفاوت بود. ژاپنی ها دچار نارضایتی و ناراحتی آنی شدند، و روسها نفسی راحت کشیدند.

با نگاهی به پیامدهای بلند مدت این جنگ، به پوچی این توهّم که خصومت ها با بستن پیمان صلحی پایان می گیرد می رسیم. در دو ساله نخست دوره پس از جنگ، نیروهای زمینی روسیه و ژاپن در منچوری در وضع مقابله خصمانه ای ماندند. اما با از سر گرفته شدن مناسبات (دیپلماتیک) ژاپن و روسیه، بخش عمده این نیروها تا سال ۱۹۰۷ بیرون برده شد. این دو کشور با بریتانیا و فرانسه با یک رشته پیمانهای جهانی همبسته شدند؛ که این وضع را پرفسور جان وایت John White «روابط حُسن همجواری چهار طرفه» خوانده است. دو متخاصم پیشین به توافق و سازشی رسیدند که تا روی کار آمدن دولت بلشویک در سال ۱۹۱۷ بر جای بود.

در سطح منطقه ای، این جنگ بر سراسر تاریخ سده بیستم سایه انداخت، و پیامد آن برای کره و چین زیانبار بود. ژاپن در نوامبر ۱۹۰۵ با کره پیمان تحت الحمایگی بست، و در دسامبر این سال پیمان ژاپن و چین امضاء شد. مسائلی که در میان بود حل نشده ماند، و طی چهل سال پس از آن به راههای گوناگون رخ نمود.

در سطح جهانی، پایان گرفتن جنگ با مذاکرات پُرتسموت Portsmouth کارکرد تازه ای برای ممالک متحده در امور آسیای شرقی بار آورد که در سراسر سده بیستم فزاینده بود.

دولت ژاپن به مردم این کشور گفت که این جنگ با توصیه ممالک متحده به صلح انجامیده است، و ازینراه واشنگتن را با خود در سرزنش ها و ناخوشایندیهای مردم ژاپن سهیم کرد. مردم که

از همان آغاز، این صلح را «پیمان نابرابر» می‌دانستند سر به شورش برداشتند، و در این میان خواستند به سفارت امریکا در توکیو حمله کنند. این برای مناسبات دو سوی اقیانوس آرام (امریکا و ژاپن) که در سده بیستم اهمیت هر چه بیشتر یافت، سرآغازی نامیمون بود و مسائلی همچون رقابت دریایی رقابت‌های بازرگانی در قاره آسیا بار آورد و ممالک متحده را متمایل به هواداری از آمال و خواسته‌های (آزادی طلبی) چینی‌ها کرد.

تأثیر مثبت این جنگ غیرمستقیم بود؛ و ژاپن به جریان توسعه طلبی اروپا در شرق نقطه پایان گذاشت.

پیمان پُرتسموت به مدت چهار سال روشنگر بافت و ترکیب وضع بین‌المللی شمال غرب آسیا بود، و صلح و ثبات نسبی در این منطقه فراآورد. نخستین تجاوز عمده به طرح و ترکیبی که پیمان پُرتسموت در انداخته بود با تهاجم‌های روسیه به منچوری، کره و ساخالین در ماه اوت ۱۹۴۵ صورت گرفت. فراورد پیمان صلح میان روس و ژاپن، به اعتبار معیارهای سده بیستم، ساز و کاری پُر دوام بود.

#### ۲۵۴ - پیش در آمد جنگ‌های جهانی، اول و دوم

آکیرا ابریه در آغاز سخن خود گفت: اگر جنگ روس و ژاپن را جنگ جهانی صفر به شمار آوریم، باید دید که این جنگ چگونه از طریق جنگ جهانی نخست به جنگ جهانی دوم انجامید. ژاپن که در جای قدرت بزرگی در منطقه آسیا - اقیانوس آرام سر بر می‌داشت، و ممالک متحده که در سوی دیگر اقیانوس آرام همچون قدرتی جهانی عروج می‌کرد، پس از جنگ روس و ژاپن رویاروی شدند. گمان دارد که این دو کشور می‌توانستند برای ایجاد نظم پایداری در این منطقه با یکدیگر همکاری کنند.

نگرش ژاپن به موج ملی‌گرایی که در چین برمی‌خاست با تلقی ممالک متحده از آن تفاوت اساسی داشت. امریکا همدلی چشمگیری نسبت به آن نشان داد؛ حال آنکه ژاپن مساعی خود را برای گسترش سرزمینی در قاره آسیا دنبال کرد، و این کار مناسباتش را با ممالک متحده بحرانی ساخت. بدینسان مسأله اساسی (همانا منافع متعارض ژاپن و امریکا) که به جنگ دوم انجامید ریشه در مسأله چین داشت.

دیگر اینکه می‌توانیم جنگ روس و ژاپن را منازعه‌ای در عصر جهانگرایی (globalism) بدانیم. موج تحرک و جا به جایی انسانها، کالا و ثروت فراسوی مرزهای کشورها ازین دوره آغاز شد. با آنکه وابستگی فرامرزی (که آنرا ترانس ناسیونالیزم transnationalism می‌خوانم) اهمیت یافته بود، چرا ژاپن و روسیه جنگ را ناگزیر دیدند؟ این امر برپیمان آموزنده است.

پس از پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، دیگر شاهد مناقشه‌ای در این مقیاس نبوده‌ایم. این وضع شاید نتیجه پیشرفت فزاینده جهانگرایی (گلوبالیزم) بوده است. اگر این جریان دنیاله پیدا کند، شاید که بتوانیم از پیش آمدن جنگ جهانی سوّمی جلوگیری کنیم.

## ۲۵۵ - دگرگون شدن احساس‌ها و دیدگاه‌ها

به سخن اولگ ایراپتوف، پس از جنگ روس و ژاپن واقعیت کارآیی سرباز ژاپنی اثر مهمّی در اندیشه سیاسی و نظامی روسیه داشت. نامهایی همچون مؤکدن و تسوشیما (صحنه‌های پیروزی زمینی و دریایی ژاپن) شکست و خواری سخت را برای روسها تداعی می‌کرد. بیم آن داشتند که جنگ آتی نه فقط کم و بیش نامنتظر درگیرد، که فرایند آن این بار برای روسیه فاجعه آمیزتر هم باشد.

با اینهمه، باید یادآور شد که جنگ جهانی اول هنگامی در گرفت که بیم و هراس روسیه از ژاپن رنگ باخته، و جای خود را به زمینه همکاری نظامی چشمگیری داده بود.

اما پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، نگرانیهای کهنه باز پیدا آمد. شرکت ژاپن در جنگ داخلی روسیه هراسهای دیرین را بازگرداند و نگرانیهایی تازه هم بار آورد.

سال ۱۹۴۵ مرحله پایانی این عارضه بود. واهمه روسیه از ژاپن از میان رفت؛ و با نگاهی ستایش آمیز، هر چند که نه همیشه با هواخواهی، به سرزمین آفتاب تابان نگریدست. بیقین رویدادهای جنگ روس و ژاپن اکنون بیش از آنکه دغدغه سیاستمداران یا مایه هراس مردم باشد، مشغله تاریخ شناسان است.

## ۲۵۶ - موجبات شکست روسیه

بروس منینگ شکست روسیه را ناشی از احوال و عواملی ویژه در این پیشامد شمرد. موقع جغرافیایی مانع شد که روسیه منابع عظیم خود را برای مقابله با خصم احتمالی در خاور دور به عرصه بیاورد و در دسترس داشته باشد. همین عامل جغرافیایی پیوسته برای ژاپن یاری رسان بود.

نیز، روسها از ملاحظات استراتژیکی عمده‌ای غافل ماندند. در نگرش نظامی نوین، مهم‌ترین کارکرد استراتژی کلی جنگ همانا سامان دادن و مرتبط ساختن دو سوی کار - یعنی راهها و اسباب پیوند دادن هدفهای امنیت و سیاست خارجی است. از آنجا که دولت روسیه در سالهای اوایل دهه ۱۹۱۰ کابینه‌ای به معنی حقیقی نداشت، کار هدایت عالی و هماهنگ‌سازی کلی بر دوش تزار روس می‌افتاد؛ اما نیکلای دوم Nikolai II قادر به اعمال نظارت و رهبری

بایسته نبود. بدتر اینکه روسها اسباب و مهمات ضروری نیروهای زمینی و دریایی را در شرق دور به میان نیاوردند.

از سوی دیگر، ژاپنی‌ها بتندی خود را در پی دو هدف استراتژیک متعارض دیدند؛ یکی میدان رزم بندر آرتور و دیگری مقابله با نیروی زمینی ژنرال الکسی کروپاتکین Aleksei Kropatkin. مارشال اوئیاما با تحلیل رفتن (یا پراکندگی) لجستیکی بیش از اندازه افراد قشون و منابع مالی نمی‌توانست کار لشکرکرو پاتکین را بسازد. پس، با آنکه ناوگان دوم بحریه روسیه در اقیانوس آرام در نبرد تسوشیما سخت شکست خورد، ژاپنها نتوانستند روسها را از ناحیه مرکزی منچوری برانند. این وضع از موجبات سازشی بود که در مذاکرات پُرتسموت صورت گرفت.

### ۲۵۷ — سیرِ قهریِ رویدادها

به نظر دومینیک لیون جنگ روس و ژاپن برخورداردی منطقه‌ای بود؛ اما این رویداد را نمی‌توان بیرون از فضای جهانی آن روزگار درک و بیان کرد.

در فاصله سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۵، حدود یک چهارم خاک کره ارض دست به دست شد. در پایان سده نوزده نیز مستعمره کردن سرزمین‌ها تا نیمکره غربی و آسیا پیش رفت. کاری که روس و ژاپن در سالهای ۵ - ۱۹۰۴ درگیر آن شدند در همین طیف است.

اما چرا این دوره عصر اوج امپریالیزم است. درین باره به سه عامل اشاره می‌کند:

نخست؛ با کشیده شدن راههای آهن و به عرصه آمدن دیگر تکنولوژیهای متنوع صنعتی، نفوذ به عمق قاره امکان پذیر شد. دوم؛ این واقعیت عموماً پذیرفته شده که اگر کشوری بخواهد قدرت برآستی بزرگی بشود، می‌بایست قدرتی در مقیاس تازه باشد. سوم؛ سده نوزده عصر (اقبال و ترکنازی) بریتانیا بود. اما با پایان گرفتن این قرن و برآمدن قدرتهای تازه، حریفان و رقیبانی در برابر او پیدا شدند؛ ژاپن در آسیا، ممالک متحده، و آلمان. آشفته بازاری که پدید آمد عرصه رقابت دیوانه‌واری بود برای به دست آوردن هر قطعه خاکی که در دسترس باشد و پیش از آنکه رقیب بدان چنگ اندازد.

اما این بازی پر خطر بود. شکست در برابر ژاپن، انقلاب ۱۹۰۵ را برای روسیه بار آورد. حکومت تزار که ازین ورطه جان به در برد، با تکان و لرزه دوم که انقلاب ۱۹۱۷ بود نابود شد. این دوره نخستین عصر بزرگ جهانی شدن است که در آن بریتانیا قواعد بازی را معین می‌کرد. امروزه در عصر دوم این جریان به سر می‌بریم؛ دوره‌ای که ممالک متحده قدرت غالب است.

فایده عمده بررسی جنگ روس و ژاپن پی‌جویی این امید و آرزوست که با درسی که از آن می‌گیریم مگر این عصر دوم جهانی شدن لیبرال به همان پایان فاجعه باری که عصر اول داشت

## ۲۵۸ - تأثیر سیاست کره و منچوری

یوکوکاتو می‌گوید که چون پژوهشهای مورخان ژاپنی را در کنار کارشناسان روس بر پایه اسناد تازه منتشر شده نهیم، می‌بینیم که باید اهمیت مسأله کره را در جنگ روس و ژاپن دریابیم. گروه موسوم به پُر براؤف Bezobrazov به رهبری رایزن حکومتی تزار نیکلای دوم پیشنهاد کرد که روسیه قوای خود را از منچوری بیرون ببرد و به جای آن به پورت آرتور و دالیان Dalian نیرو بفرستد. دیگر اینکه روسیه باید در طول رودخانهٔ یالو، ناحیه‌ای نزدیک قلمرو نفوذ ژاپن، پیشروی کند.

سیاستگزاران ژاپنی بر آن بودند که هر گاه ژاپن امتیازهایی در منچوری بدهد مذاکرات با روسیه، که روز ۱۲ اوت ۱۹۰۳ آغاز شده بود، به توفیق خواهد انجامید. اما با ملاحظهٔ این واقعیت که گروه پُر براؤف اهمیت بسیار به کره می‌داد، چنین می‌نماید که احتمال کنار آمدن این دو کشور بسیار اندک بود.

دیگر اینکه جنگ طلبی گروه هفت نفرهٔ حقوقدانان برجستهٔ دانشگاه سلطنتی توکیو را نباید از نظر دور داشت. در مقدمه باید گفت که مردم ژاپن تا اندک زمانی پیش از آغاز درگیری از جنگ ملاحظه داشتند؛ چنانکه، برای نمونه در خاطرات تاکاشی هارا Takashi Hara و شعرهای آکیکو یوسانو Akiko Yosano پیداست. این هفت حقوقدان در آنمیان هیرونو و تومیزو Hirono Tomizu، یادداشتی به درخواست جنگ با روسیه به دولت ژاپن تسلیم کردند.

هنگامی که عامهٔ مردم از ته دل خواهان جنگ نباشند، می‌بایست منطقی مناسب زمان جنگ فراهم شود و هوای جنگ را در آنان برانگیزد. آن هفت حقوقدان به جزئیات پیمان روسیه و چین، که پس از شورش بوکسورها امضاء شده و بر استقرار قوای روس در چین تأکید نهاده بود، پرداختند و چنین توجیه کردند که روسیه از مفاد پیمان تجاوز کرده است. جناح هوادار جنگ با توسل به منطقی چنین سطحی، جنگ را موجه دانست. این نمونه‌ای نمادین از رفتار سیاسی عصر میجی (سالهای ۱۸۶۷ تا ۱۹۱۲) بود، که ابرام و اصرار بی‌امانی برای مشروع جلوه دادن تصمیم‌ها در انظار جامعهٔ بین‌المللی در کار می‌آورد.

## ۲۵۹ - ملاحظات تازه

به گفتهٔ شینجی یوکوته، جنگ ژاپن انظار را از نو به خود می‌گیرد. یک موجب این توجه تازه بی‌شمار فزایندهٔ اسناد و منابع (محرمانه) است که اینروزها منتشر می‌شود. سبب دیگر اینست



که تصوّر قدیم که تاریخ نوین در انقلاب روسیه و نخستین جنگ جهانی ریشه دارد، آشکارا رنگ می‌بازد. گمان می‌رود که روس و ژاپن را می‌توان نقطه آغاز تاریخ جدید دانست. سوم اینکه جنگ روس و ژاپن و جنگ جهانی اول را به دو طریق می‌توان به هم ربط داد؛ یکی این ملاحظه که پیشامد جنگ روس و ژاپن به نخستین جنگ جهانی انجامید. راه دیگر، که درست می‌نماید، کنار هم نهادن این دو جنگ است با این آگاهی که هر کدام آن ویژگی‌هایی دیگر دارد؛ یکی مناقشه‌ای در اروپا و دیگری جنگی در آسیا بوده است.

یاد آوردن این جنگ برای مردم چین و کره خوشایند نیست؛ اما در بررسی تاریخ کشورشان نمی‌توانند آنرا نادیده بگیرند.

این اشتباه ژاپن بود که به تقلید قدرتهای اروپایی به مستعمره کردن ممالک همسایه برآمد. اما به ملاحظه قدرت و اقدامات روسیه در آن زمان می‌توان گفت که الحاق شبه جزیره کره پس از جنگ با روس برای ژاپن ناگزیر بود. نیز می‌توان تصوّر کرد که اگر این جنگ در نمی‌گرفت آسیا چه روزگاری می‌داشت.

ناگفته نماند که دانش عمومی ما درباره این جنگ کافی نیست، و باید بررسی و مطالعه بیشتری بکنیم. می‌باید مسائل پیرامون این جنگ را از دیدگاه عامه مردم و از نظرگاه سیاست‌گزاران بررسییم تا به قضاوت بهتری درباره این دولتمداران برسیم.

## ۲۶۰ - جنگ روس و ژاپن: جنگ جهانی صفر

پس از سخنرانیها، کارشناسان و مقاله دهندگان به بحث و تبادل نظر پرداختند. خلاصه‌ای ازین سخن‌ها در زیر می‌آید:

یوکوته: آیا می‌شد از جنگ روس و ژاپن جلوگیری کرد

یان نیش: واقع اینست که روسها در مذاکرات هیچ سازش نشان ندادند. به گمانم از نیمه ماه دسامبر (۱۹۰۳) جنگ ناگزیر می‌نمود. احساس غالب مردم ژاپن در سوی جنگ با روس بود، و در حقیقت کابینه ژاپن کوشید تا از شور و شتاب افکار عمومی بکاهد. بدینسان دو عامل چهره می‌نماید: با ناکام ماندن تلاشهای دیپلماتیک، جنگ اجتناب‌ناپذیر شد؛ و فشار افکار عمومی هم دولت ضعیف غیر نظامی را به سوی جنگ راند.

کاتو: تا ژانویه ۱۹۰۴ که روسها آخرین پیشنهاد مبتنی بر سازش را ارائه دادند، می‌شد از جنگ جلوگیری کرد. اما روسها می‌بایست این پیشنهاد را زودتر می‌دادند.

لیون: اگر بحران عمده‌ای در اروپا پیدا می‌شد روسها در شرق آسیا کوتاه می‌آمدند. موجب اساسی جنگ از دیدگاه روسها ناتوان ماندن امپراتور روس از برآورد درست هزینه‌ها،

دستاوردها، و مخاطره‌ها در سیاست خارجی روسیه در شرق آسیا بود، که ژاپنی‌ها را دست‌گرفت و اختیار بیش از اندازه به نایب‌السلطنه خود در شرق دور داد. تا پائیز ۱۹۰۳ او مردم خود را در وضعی نهاد که امتیازهایی را که به ژاپن داده می‌شد مایه تحقیر روسیه می‌شمردند. پس هیچ گمان نمی‌رود که در این برهه از زمان جنگ اجتناب‌ناپذیر بوده باشد.

ایرپه: من به حکم سرنوشت عقیده ندارم، و نمی‌توانم بگویم که این جنگ یا هر جنگ دیگری که روی داده صد در صد ناگزیر بوده است. اگر فرانسه به متحد خود روسیه فشار می‌آورد و بریتانیا به هم پیمان خود ژاپن که دست به جنگ نیازند، چه می‌شد؟ ژاپن و روسیه هر دو چنان وضع مالی دشواری داشتند که بی‌وام گرفتن از انگلیس و فرانسه قادر به جنگ نبودند. اگر نیروهای ملی‌گرا در چین زودتر گردهم آمده بودند تا به جنگ دو دولت بیگانه در سرزمین خود متعرض شوند، شاید که احوال دگرگون می‌بود.

میننگ: اساساً آنچه که این جنگ را تقریباً اجتناب‌ناپذیر ساخت به اجاره گرفتن بندر آرتور در سال ۱۸۹۸ و انتقال ناوگان اقیانوس آرام روسیه در سال ۱۹۰۱ به اینجا بود. تا سال ۱۹۰۳ که روسیه ذخایر مادی معتناهی انباشت، عامل دیگری برای گریزناپذیر بودن جنگ فراهم شد. با ملاحظه طرز پاسخگویی روسها به ابتکارها و پیشنهادهای ژاپن‌ها در مذاکرات پاییز ۱۹۰۳ تا (آغاز) سال ۱۹۰۴، می‌بینیم که مسأله کره جنبه محوری پیدا می‌کند. نگاهی به نقشه منطقه از دیدگاه استراتژیک، نشان می‌دهد که از نظر روسها وضع کره در گرو پورت آرتور در می‌آید زیرا که اگر بگذارند ژاپنی‌ها قوای عمده در کره داشته باشند موقع استراتژیک بندر آرتور به خطر می‌افتد. روس‌ها پس از بردن پایگاه دریایی شان به این بندر، دست کم از جنبه نظری، نسبت به ناوگان ژاپن دست بالا داشتند. پس جنگ نه یکسره، بلکه تا اندازه بسیار، ناگزیر می‌نمود.

یوکوته: ژاپن و روسیه پیش از آغاز کردن جنگ تا چه اندازه از وضع یکدیگر آگاه بودند؛ و آیا تعصب نژادی هم زمینه ساز جنگ بود؟

ایراپوتف: در اسناد روسیه، دشوار می‌توان اثری از تعصب نژادی نسبت به مردم و فرهنگ ژاپن یافت. برای نمونه، هنگامی که امپراتور روس خواست تا به مداخله در برآیند پیمان شیمونوسیکی Shimonoseki برآید، الکسی کروپاتکین وزیر جنگ او مخالفت نمود و گفت: «اگر درگیری پیش بیاید، ما باید با مردمی بنهایت درجه متمدن بجنگیم» تلقی دولتمداران و روشنفکران روس نسبت به ژاپن به طور کلی چنین بود.

میننگ: از شگفتی‌انگیزترین چیزها که در بررسی منابع آرشبو روسیه به آن برخوردم، فقدان دیدگاه نژادگرایانه بود از نظر نوع آگاهی، بخصوص اطلاعات جمع‌آوری شده جاسوسان، روسها شناخت بسیار خوبی از قابلیت‌های نیروی دریایی ژاپن داشتند.

کاتو: در پی انعقاد پیمان اتحاد ژاپن و بریتانیا در سال ۱۹۰۲، بیدرنگ موافقتنامه‌ای نظامی میان دو کشور بسته شد. برابر این توافق، فرماندهان ارکان ژاپن محرمانه آگاه شدند که روسیه ۲۰۰ هزار سرباز در منچوری دارد. اما این رقم کمتر از شمار واقعی بود.

یوکوته: درست است که جنگ روس و ژاپن را «جنگ جهانی صفر» بنامیم؟

ایریه: در نتیجه این جنگ، بریتانیا با روسیه عقد اتحاد بست، که به ایجاد جبهه متحد بریتانیا، فرانسه و روسیه در برابر آلمان در سال ۱۹۰۷ انجامید، که همان طرفهای جنگ جهانی اول بودند. ازین منظر شاید بتوان جنگ روس و ژاپن را «جنگ جهانی صفر» نامید. اما جنگ جهانی به معنی واقعی جنگ دوم بود. و بر این اساس جنگ اول را باید «جنگ جهانی صفر» دانست. از آنجا که جنگ روس و ژاپن بعدها به جنگ اقیانوس آرام (جبهه شرق در جنگ جهانی دوم) انجامید، آن جنگ را می‌توان «جنگ اقیانوس آرام شماره صفر» خواند.

لیون: اگر روسها جنگ را می‌بردند، منچوری را با ۶/۵ میلیون جمعیت چینی آن ضمیمه خاک خود می‌کردند؛ و در نتیجه در طول قرن بیستم به احتمال نزدیک به یقین همه مستملکات شرق آسیای خود را از دست می‌دادند.

به گمانم، دومین چیزی که می‌توانست پیش بیاید این است که در این فرض آلمانها در جنگ نخست فاتح می‌شدند، زیرا که عامل عمده جلوگیر آنها همانا اتحاد انگلیس و فرانسه و روسیه بود. تصور می‌رود که بسی بیشتر به نفع روسیه بود که جنگ را به ژاپن باخت. اینکه آیا این بُرد به نفع ژاپن بود یا نه، موضوع دیگری است. فکر می‌کنم که بسیار بجا و مناسب است که جنگ روس و ژاپن را «جنگ جهانی صفر» بنامیم.

## ۲۶۱ - فیلم بازمانده از صحنه‌های جنگ روس و ژاپن

برابر گزارش مستندی که بنگاه رادیو - تلویزیون ژاپن، NHK، روز جمعه ۸ ژوئیه ۲۰۰۵ منتشر کرد، بتازگی فیلمی از صحنه‌ها و رویدادهای جنگ روس و ژاپن یافته شده است که حقایق تازه‌ای را درباره این جنگ آشکار می‌سازد.

فیلم‌های پیشتر به دست آمده، از جمله در آرشیو انگلیس‌ها، ۱۶ میلیمتری بود، اما این فیلم ۳۵ میلیمتری است با تصویری روشن‌تر چنانکه حتی کیفیت پارچه لباس سربازان خوب نموده می‌شود.

این فیلم‌ها را محرمانه نگاه می‌داشتند تا اسرار نظامی به بیرون درز نکند، اما پنج سال پیش که انباری متعلق به خانواده سرمایه‌داری به نام سایتو در زلزله ویران شد و اسباب داخل آنرا واری کردند، این فیلم را در جعبه‌ای یافتند. در این فیلم نوگی و یا ماموتو و دیگر سرداران جنگ

هنگام شرکت در جلسه‌های طراحی حمله‌ها نشان داده می‌شوند. این فیلم ۱۱ دقیقه‌ای نشان می‌دهد که پیروزی کشور کوچکی بر قدرت جهانی آنروزگار، روسیه، بیشتر برای داشتن سلاح‌های پیشرفته بود، بخصوص توپهای تناور که گلوله آن به صورت بشکه‌ای است که یک سرباز بسختی بر پشت حمل می‌کند خانواده سایتو در کارهای اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کرد، و از جمله به سینما و فیلمسازی پرداخته بود. در این انبار فیلم‌های ارزنده نادر یا بی‌نظیر دیگر هم پیدا شد؛ از آنمیان فیلم‌هایی از مراسم عروسی امپراتور شووا (که در سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۸۹ بر تخت بود)، و رویدادهای دیگر حدود یک سده پیش.

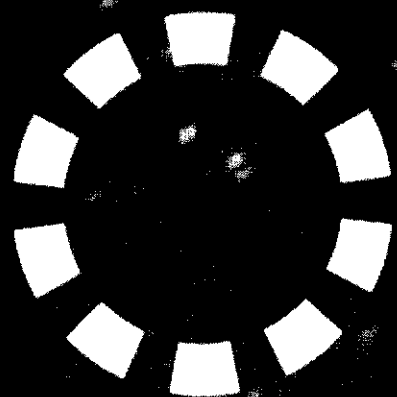
### نمایشگاه جهانی آئیچی ژاپن

نمایشگاه جهانی آئیچی ۲۰۰۵ The 2005 World Exposition, Aichi که به مدت شش ماه، از ۲۵ مارس تا ۲۵ سپتامبر امسال (۲۰۰۵ میلادی) در ایالت آئیچی ژاپن برگزار بود با توفیقی بیش از حد انتظار روبرو شد. این نمایشگاه که هدف اعلام شده آن آگاه ساختن مردم به ارزش حفظ محیط زیست و راههای آن در پرتو فن‌آوریهای نوین بود، ۲۲ میلیون دیدار کننده داشت (بسی بیشتر از شمار پیش‌بینی شده ۱۵ میلیون)؛ با درآمدی حدود ۵۷/۵ بلیون ین فقط از فروش بلیت ورودی (۱۵ بلیون بیش از برآورد پیشین). بیش از ۲۰ میلیون بیننده سوار بر ترن پیشرفته ویژه این نمایشگاه موسوم به ترن Limino Maglev از ناگویا، مرکز ایالت آئیچی، به محل نمایشگاه سفر کردند. بسیاری از غرفه‌های پُرخواستار، از آنمیان غرفه شرکت راه آهن مرکزی ژاپن، بیش از دو برابر شمار مورد انتظار بیننده داشت، و خواستاران برای دیدار بسیاری از غرفه‌ها ساعت‌ها در صف نوبت می‌ایستادند.

استقبال مردم از این نمایشگاه منافع و مزایای چشمگیر برای اقتصاد ایالت آئیچی همراه آورد. با این توفیق درخشان، بسیاری از مردم آئیچی و مدیران اقتصادی ژاپن امید دارند که این ایالت و مرکز آن ناگویا قطب عمده‌ای برای نمایشگاه‌های جهانی و گردهم‌آیی‌های بین‌المللی شود، همچنانکه شهر اتلانتا Atlanta در آمریکا پس از برگزار شدن المپیک زمستانی ۱۹۹۶ در اینجا از مراکز مجالس بین‌المللی در ممالک متحده شده است.

برابر یک نظر سنجی از ۱۶۰۰ دیدار کننده این نمایشگاه که سازمان برگزار کننده آن در ماه اوت انجام داد، حدود ۹۰ درصد پاسخ‌ها گویای درک و دریافت بینندگان از هدف و شعار نمایشگاه، همانا حفظ محیط زیست است.

نمایشگاه جهانی ۱۹۷۰ اوساکا The 1970 Osaka Expo، که نخستین نمایشگاه از این نوع در ژاپن بود، نشان‌دادن رشد اقتصادی سریع و بالای ژاپن در سالهای پس از جنگ را هدف داشت. اما



# 2005 AICHI JAPAN

Official Map

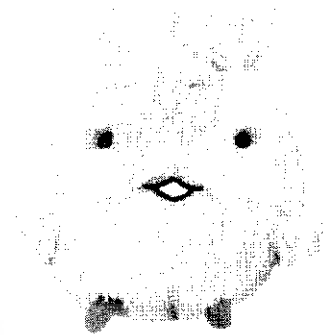


【日本編版】

公式  
会場案内  
MAP

Japan edition

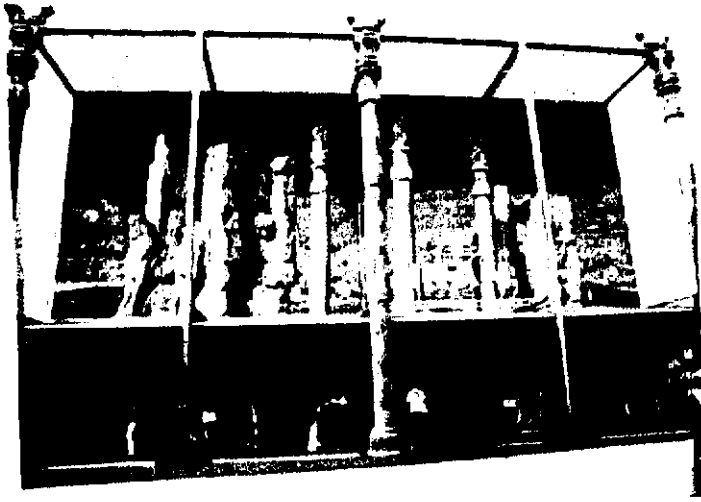
このマップは、AICHI EXPO 2005 事務局として助成を受け作成されたものです。



● عروسکهای نشانه شگون (mascot) نمایشگاه جهانی آئیچی

نمایشگاه آئیچی که ۳۵ سال پس از آن بود به مسائل جهانی مرتبط با محیط زیست پرداخت و پی جوی راههایی برای از میان برداشتن این دشواری ها بود. برگزار کنندگان این نمایشگاه کوشیده بودند تا جلوه‌هایی ازین تلاش را فراروی دیدار کنندگان بگذارند. ازین میان، گاز متان methane که با تخمیر پس مانده رستورانهای نمایشگاه حاصل می شد منبع انرژی محرک کارگاه «سازمان ابداع روشهای نوین تولید نیرو و فن آوری صنعتی» برای تأمین برق مصرفی غرفه ژاپن با انرژی آفتابی بود. نمونه ابداعات دیگر برای تولید سالم انرژی، بی آلوده ساختن محیط، یا استفاده بهینه از منابع طبیعی نیز ارائه شده بود، که شماری از آن تکوین فن آوریهای متحول کننده‌ای را در این زمینه در آینده نوید می دهد.

شرکت اتومبیل سازی تویوتا، که خاستگاه و مرکز تولید اصلی آن همین ایالت آئیچی است، در برگزاری این نمایشگاه سهم بسزایی داشت، و آقای تویودا Shoichiro Toyada رئیس افتخاری تویوتا نیز در رأس سازمانهای برگزار کننده نمایشگاه بود. غرفه تویوتا هم، با گروه ارکستری که در آن یک دسته روبات robot ساخته تویوتا موسیقی می نواختند، اتوبوس بی راننده، و اتومبیل حرکت کننده با نیروی باتری و جاذبه‌های دیگر، از پریننده‌ترین غرفه‌های نمایشگاه بود. تویوتا سیاست مدیریت پیشرفته خود، موسوم به کایزن (kaizen) را در اداره این نمایشگاه در کار آورد، که سهم عمده‌ای در توفیق این رویداد داشت.



● نمای بیرونی غرفه ایران

نمونه‌ها و طرحهای آزمایشی متعددی تدبیر شده بود تا هدف اعلام شده این نمایشگاه، حفظ محیط زیست و ارزش مواهب طبیعت، را تبلیغ کند. با اینهمه، شماری از غرفه‌ها بیشتر محلی برای فروش فراورده‌های ملی بودند، و در چند روز آخر با به حراج نهادن متاعشان غرفه را به صورت بازاری برای کسب و کار در آورده بودند.

بیش از ده میلیون ین ژاپن هزینه برچیدن این نمایشگاه به راههایی که متضمن بازیافت و استفاده دوباره از مواد و وسایل آن باشد خواهد بود. طراحان و گردانندگان این نمایشگاه خواسته بودند تا نسل در رفاه بار آمده جامعه مصرفی امروز ژاپن را با ارزش مواد و مواهب طبیعت، که به تبع دسترسی آسان به آن چندان قدرشناخته نمی‌شود، آشنا سازند.

### ۲۶۳ - غرفه ایران در نمایشگاه جهانی آئیچی

یکروز پیش از پایان گرفتن این نمایشگاه و در آخرین فرصتی که یافتم، با سفری یکروزه از اوساکا که هشت ساعتش به رفت و برگشت گذشت، به دیدن آن رفتم؛ و همانکه رسیدم سراغ غرفه ایران را گرفتم که در مجتمع یکم پاولیونها در میان چند غرفه آسیایی دیگر - یمن و قطر و عربستان - جای داشت، اما در جبهه‌ای باز و مسیری پر تردد. آنسوی راه غرفه‌های چین و کشورهای آسیای میانه به ردیف ایستاده بود.



● مردم بازدید کننده از نمایشگاه جهانی آئیچی

بیشتر که کارت دعوت زیبایی برای روز ملی ایران در نمایشگاه، ۱ آوریل، رسیده بود، فرصت رفتن نیافته بودم. نمای بیرونی غرفه را به نگاره تخت جمشید ساخته بودند؛ اما سیمان و چوب و فولاد به دوام و استواری زبان فارسی و شعر فردوسی نبود که از باد و باران نیابد گزند.» در بدو ورود چند قالیچه آویخته به دیوار جلوه می کرد، و محوطه درونی در اطراف به غرفه‌هایی تقسیم می شد که اینجا هم قالی ایران مسلط بود، و در چند «حجره» هم تمبر و نمونه‌هایی از صنایع دستی مانند کاشی برای فروش گذاشته بودند. فضای میان «حجره‌ها» چهار سوق ماندنی بود که یک کنارش اسباب چای و آب انار چیده، و آنسوتر تخت گونه‌هایی برای آسودن دیدارکنندگان گذاشته بودند. در اطراف این محوطه چند فروشنده ژاپنی سخت سرگرم راضی کردن علاقمندان، بیشتر خانم‌های خانه‌دار، به خرید بودند. چهره اودری هپبورن که هنرمندانه بر تار و پود قالی نشسته و از چار دیوار قابی کوچک به دیدارکنندگان می‌نگریست صحنه‌های فیلم دلنشین «شاهدختی در رم» را به یاد می‌آورد.

از اینجا که بیرون آمدم. کمی آنسوتر غرفه سریلانکا بود با وسعت بیشتر و محیط آرام و زیبا آراسته، که در هر گوشه آن یکی از سازندگان صنایع دستی هنرش را نشان می‌داد. غرفه‌های اندونزی و مالزی بخصوص وسعت داشت. مصر غرفه‌ای چشمگیر کنار خیابان اصلی نمایشگاه و با نقش و نمای مصر باستان بر پا کرده بود. غرفه‌های اروپای غربی، جز پاولیون اسپانیا، را



بی‌انتظار و معطلی چند ساعته نمی‌شد دید. اسپانیائیه‌ها بیشتر به معرفی محصول‌های کشاورزیشان، بخصوص زیتون و انواع میوه‌ها، پرداخته بودند. اردن استخر شنایی با آب بحرال‌میت ساخته بود که با نشان دادن نوجوانهای جذاب که بی‌بیم غرق شدن شنا می‌کردند ژاپنی‌های کنجکاو را شگفت‌زده می‌کرد و بیننده فراوان داشت.

کوتاه آنکه همه کشورهای شرکت‌کننده تا آنجا که توان و همت و تدبیرشان راه می‌داد کوشیده بودند تا چهره‌ای پویا و پیشرفته و پر هنر از خود نمایش دهند، و کشور میزبان هم هر آنچه را که در ذهن و دست داشت برای تأثیر گذاشتن بر بینندگان در کار آورده بود.

از ابتکارهای این نمایشگاه کانال‌های هوای خنکی بود که در میانه تابستان گرم و هوای شرجی ژاپن مسیر اصلی بازدیدکنندگان، خیابان کمربندی نمایشگاه، را خنک می‌کرد؛ و آسودن بر نیمکت‌هایی که زیر این خنک‌کننده‌های هوای بازگذاشته بودند پس از خستگی گشت و گذار در غرفه‌ها دلبذیر و آرام‌بخش بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز بین‌المللی علوم انسانی

منتشر شد:

**فرهنگ بومی  
و چالش‌های جهانی  
نوشتۀ ترکی حمد  
ترجمۀ ماهر آموزگار**

نشر مرکز — خیابان فاطمی — خیابان باباطاهر — شماره ۸ تلفن ۸۸۹۶۵۰۹۸

E - mail: info @ nashr - e - markaz. Com